

## بنام خدایی که بر ذات وی

## محال است هرگز برد عقل ، پی



### شرح مختصری در مورد زندگینامه ناصر خسرو

ابو معین ناصر بن خسرو ابن حارس قبادیانی  
بلخی معروف به حکیم ناصر خسرو ( ۳۹۴ -

۴۸۱) از شاعران بزرگ پارسی زبان ، فیلسوف حکیم و جهانگرد ایرانی و از مبلغان مذهب  
اسماعیلیه ناصر خسرو در سال ۱۳۹۴ هجری در قبادیان از نواحی بلخ به دنیا آمد .

### بگذشته ز هجرت پس سیصد و نود و چار      بنهاد مرا مادر بر مرکز اغبر

خانواده وی از کار گزاران حکومتی بودن بنابراین ناصر خسرو نیز به شغل دبیری در دیوان اداری  
منسوب شد و در بارگاه غضنویان - سلطان محمود و مسعود غزنوی مشغول به کار بود .  
چنانچه خود میگوید .

### یک چند پیشگاه همی دیدی      در مجلسی ملوک و سلطانیم

### آزورده این و آن به حضر از من      گفتی مگر نژاده طنینم

### آهو خجل زه مرکب رهوارم      طاووس زشت پیشی نمد زینم

ناصر در زمان جوانی به علوم زمانه خود احاطه پیدا کرد و حتی تورات و انجیل را نزد یهودیان و  
نثارا آموخت و به دیدگاه فلا سفه یونان و اسلامی آشنا شد.

از همان جوانی روحیه ی پرسشگری در وی وجود داشت و سوالات گوناگونی پیرامون شریعت در  
ذهن خود داشت در سال ۴۳۷ در سن ۴۰ سالگی خواب عجیبی دید و باعث شد که شغل دیوانی را  
رها کرده و به سفر هفت ساله خود بپردازد .

خواب وی از این قرار است « شبی در خواب دیدم که یکی مرا گفت چند خواهی خوردن از این  
شراب که خرد مردم را زایل کند اگر به هوش باشی بهتر . من جواب گفتم که حکما جز این چیزی

نتوانستند ساخت که اندو دنیا کم کند جواب داد که بیهودی و بیهوشی راحت نباشد حکیم نتوان گفت کسی را که مردم را به بیهوشی رهنمون باشد بلکه چیزی باید طلبید که خرد و هوش را بیفزاید . گفتم که من این را از کجا آرم گفت جوینده یابنده باشد و پس سوی قبله بشارت کرد و دیگر سخن نگفت چون از خواب بیدار شدم آن حال تمام بر یادم بود بر من کار کرد و با خود گفتم که از خواب دوشین بیدار شدم باید که از خواب ۴۰ ساله نیز بیدار گردم» ناصر در دیوان نیز اشاره به متنبه شدن خود در ۴۰ سالگی کرده است .

**بیدار شو از خواب خوش ، ای خفته ۴۰ سال      بنگر که ز یارانت نمانند کسی ایدر**

**از خواب و خور انباز تو گشته است بهایم      آمیزش تو بیشتر است از انده کمتر**

چیزی که ستورانت بدان با تو شریکند      منت ننهد بر تو بدان ایزد داور

او ۷ سال در سفر بود و به تمام نقاط جهان اسلام سفر کرد و عقاید گوناگون را بررسی نمود تا اینکه در قاهره با عقاید باطلیان آشنا شد و حل موضلات علمی خود را در تفکرات آنان یافت و کیش اسماعلیه در آمد او تا سال ۴۴۱ هجری قمری در قاهره ماند و به مدت ۳ سال از علوم باطنی مطالبی فراگرفت و به خراسان بازگشت در خراسان مناظرات مختلفی با علما اهل سنت انجام داد و بر اثر فشار علماء اهل سنت اتهام به الحاد و کفر از بلخ به مازندران فرار کرد در آنجا موفقیت



چشمگیری برای وی حاصل شد ولی به علل نا معلوم قبل از سال ۴۵۳ به روستای یمگان پناه برد و در آنجا به نوشتن کتاب زاد المسافرین همت گماشت سپس ناصر خسرو در سال ۱۴۸۱ قمری در گذشت مزار وی در یمگان زیارتگاه است از ناصر خسرو زن و فرزندی نمانده زیرا وی تا پایان زندگی مجرد بود .

## **آثار ناصر خسرو**

دیوان اشعار فارسی

«دیوان اشعار عربی» که متأسفانه در دست نیست

خود درمورد دیوان فارسی و تازی چنین میگوید

بخوان هر دو دیوان من تا ببینی

یکی گشته با عنصری، بحتوری

یا

این فخر بس مرا که به هر دو زبان

حکمت همین مرتب و دیوان کند

روشنایی نامه - سعادت نامه - زاد المسافرین - جامه الحمیتین «رساله ی است به نثر دری در

بیان عقاید اسماعلیه»

خوان الخوان و .....

مهم ترین و معروف ترین اثر ناصر خسرو سفر نامه ناصر خسرو است که مختصری از گزارش

مشاهدات مسافرت ۷ ساله ناصر خسرو است.

## **شرح کلی مذهب اسماعلیه «مذهب ناصر خسرو»**

اسماعیلیان گروهی از شیعیان هستند که امامت را به اسماعیل فرزند امام جعفر صادق ختم میکنند و او را امام هفتم می دانند. اینان هم زمان با روزگار سامانیان سر بر آوردند و سده ها با توان بسیار به پراکندن اندیشه خویش پرداختند. امروزه از شمارشان کاسته شده است و در ایران بسیار کم یاب اند و در برخی از کشور ها مانند افغانستان تاجیکستان هندوستان تانزانیا و سایر ممالک پراکنده اند.

## ناصر خسرو حجت اسماعلیه

اسماعیلیان از همان ابتدا سازمان دعوتی ایجاد کرده و جهان اسلام را به دوازده جزیره تقسیم کردند برای هر جزیره یک داعی به عنوان رهبر دعوت در آن منطقه قرار داده و تعدادی مبلغ دیگر را با نام های خاص زیر نظر داعی به اطراف گسیل میداشتند بالا ترین مرتبه دعوت از آن حجت بود . حجت به عنوان رئیس کل سازمان دعوت در کنار امام بود و در دوران ستر اهمیت حجت دو چندان شد و او تنها رابطه سلسله دعوت با امام بود گاهی اوقات به حجت باب نیز میگفتند زیرا محرم و ملازم امام بود در رتبه بعدی دائی الدعات قرار داشت .

## ویژگی های کلی و عمومی عصر شاعر ( ناصر خسرو )

برای بررسی ویژگی های سبکی شاعران هر دوره نیاز است تا ویژگی های کلی و عمومی عصر همان شاعران با عصر شاعران دیگر مورد مقایسه قرار گیرد و ما ویژگی های شهر را به سه دسته عمده زبانی فکری و ادبی تقسیم میکنیم .

## ویژگی های زبانی

زبان شعر این دوره با بعضی تفاوت ها همان زبان شاعران دوره سامانی است کههنگی زبانی در این دوره نیز وجود دارد اما نه به شدت دوران پیشین .

گروهی از واژه های مهجور فارسی که در آن شعر شاعران دوره قبل به کار رفته است در این دوره کمتر شده است البته گرشاسپ نامه ی اسدی و ویس رامین تاحدودی مستناست زیرا اسدی خود لغتدان و لخت نویس بوده و این خصلت در او باعث شده است که بسیاری از لغات مهجور را در شهر خود بکار برد . ویس و رامین نیز به سبب آن که از اصلی پهلوی به فارسی دری در آمده بعضی اشکال کهنه کلمات را در بر دارد که در سایر متون قرن پنجم کمتر دیده میشود .

نفوذ واژه های عربی در زبان شعری این دوره بیشتر از دوران سامانیست بخصوص در شهر بعضی از شاعران چون منوچهری دامغانی و ناصر خسرو این تاثیر را میتوان بیشتر دید .

تشدید و تخفیف و اشباع مصوت های کوتاه و ناهماهنگی در اوزان شعر قرن پنجم وجود دارد امام به اندازه دوران سامانی نیست زبان شعری در این دوره نیز ساده طبیعی و صریح است صلابت و ضخامت و خامت در شهر این دوره نیز وجود دارد بخصوص وسایل عنصری و ناصر

خسرو از این جهت متمایز تر است و خامت زبان عنصری گویی که بافر و شکوه در بار محمود نسبتی دارد .

**قالب های ادبی :** از شاعران قرن پنجم اشاعر بیشتری در دست است .

قصیده : قرن پنجم اکثر شاعران این قرن در این قالب شعری طبع آزمایی کرده و باعث تکامل آن شده است .

عنصری فرخی منوچهری ناصر خسرو و شاعران قصیده سرا هستند .

قصیده هایی با تغزل هر دو دیوان های این دوره وجود دارد . تمایل عنصری به قصیده مقتضب قابل توجه است .

آوردن نام شاعری در پایان قصاید سنت عمومی شاعران نبوده است اما در این دوره ناصر خسرو در پایان بسیاری از قصاید خود نام شعری خود یعنی حجت را آورده است .

مثنوی : مثنوی از قالب های شعری این دوره است . دو مثنوی معروف بجای مانده از قرن پنجم یکی ویس و رامین و دیگری گرشاسب نامه که منظومه ی حماسی است . ویس و رامین در بحر هزج مسدس محضوف قصور سروده شده است از دیگر قالب ها

رباعی که در پایان قرن ۵ بسیار دیده میشود که بیشتر آنها از آن عنصری بوده است و معروف ترین رباعی از خیام است .

غزل : فرخی سیستانی در این دوره بیشتر از دیگر شاعران به غزل توجه داشته اما غزل های وی هنوز تکامل نیافته بود .

## ویژگی های ادبی

شعر این دوره از نظر عناصر ادبی و بلاغی و تکامل یافته تر از شعر دوران سامانیست در دیوان شاعران این عصر تشبه همراه با استعاره دیده میشود با این تفاوت که تشبیه در اشعار اندکی بیشتر از استعاره وجود دارد تشبیه ها معمولاً محسوس و ملموسند اما در شعر عنصری تشبیه هایی غیر محسوس به کار رفته است .

دایره تلمیحات نیز در این دوره نسبتاً وسیع است علاوه بر داستان های ملی شاعران به قصص دینی نیز توجه بسیار دارند بخصوص ناصر خسرو

تغزلات این دور بیشتر شامل توصیف طبیعت خومر وصف معشوق است .

## قلمرو فکری

از شعر شاعران ثنا گستر دیدی ظاهری و برونی حاکم است عنصری و منوچهری و فرخی از زندگی خوشی و شادی و کامرانی می جویند دید آنان دیدیست درباری و اشرافی در صور خیال آنان نیز انعکاس یافته است در شعر اینان معمولاً اندرز و نصیحت و اخلاق و توجه به مسائل عرفانی و دینی دیده نمی شود در این دوره وظیفه شاعران درباری آن است که ستایش کند و سکه بگیرد و متجملانه زندگی کند و عشق ببازد . و در امور سیاسی و اجتماعی دخالت نکند ناصر خسرو در میان شاعران این قرن مستثناست وی مردمی کاملاً دینی و متکلم و مبلغ که زندگی و حوادث آن را دید دینی مینگرد و این دید مذهبی او در مفاهیم و ثور خیال شعرش کاملاً منعکس است .

عشق نیز در شعر اینان عشقیست زمینی و مجازی

ویژگی های سبکی شخصی شاعر ناصر خسرو

در کل آنچه که در شعر ناصر خسرو نمود پر رنگی دارد تحول روحیش و در پی آن گرایش به کیش اسماعیلی با سایر محاسرائش متفاوت است وی از محدود شاعرانیست که شعر را تنها برای زیبایی آن گرایش به کیش اسماعیلی با سایر معاصرائش متفاوت است وی از محدود شاعرانیست که شعر را تنها برای زیبای آن نمی سراید و بیشتر از آن به عنوان ابزاری تبلیغی برای مذهبش سود می جوید و در نتیجه هر چه را که می گوید همان اعتقاد به کیش شیعه اسماعیلی است در کل شعر وی به علت نگرش ناصر خسرو به کیش اسماعیلی اشعار وی متعهد تبلیغی و تعلیمی بودن گزاره های او که ناشی از محور ایدئولوژیک شعر اوست که سبب شده است تا وی از نظر سبکی فردیت داشته باشد وی شعر را جهت تبلیغ عقاید مذهبی به کار گرفته و سعی کرده با سخن شعر مخالفان را محکوم و گمراهان را هدایت کند از این روست که شعر او قالباً بصورت مجموعه ای از ادله ی عقلی و مباحث مذهبی در آمده است .

بازتاب ایدئولوژی اسماعیلی در محور فکری و زبانی شعر ناصر خسرو بیشتر مورد توجه قرار گرفته است چرا که زبان و اندیشه پیوندی تنگاتنگ و دو سوی با یکدیگر دارند

پژوهشگران پیوند میان سبک و اندیشه را به دو گونه تزئینی و اورگانیک تقسیم کرده و معتقد اند در دیدگاه تزئینی معانی نخست بر زبان می آیند سپس با سبک آراسته می شود اما دیدگاه ارگانیک اندیشه و سبک باهم متقارن هستند.

از جمله عواملی دیگر که شعر ناصر خسرو را از دیگر شاعران متمایز میسازد

این است که شعر ناصر خسرو تبلیغی و شاعر نهایت دقت نظر را برای انتخاب اسلوب زبان خود با هدف تاثیر گذاری کلان برگزیده است دوم اینکه شعر ناصر خسرو کوششی است نه جوششی و برخاسته از الهامات شاعرانه میباشد.

ناصر خسرو گرچه شاعری عفیف است و از لفظ و تمثیل زشت در شعرش بکار نبرده اما مخلفان را به راحتی خر و گاو و بقر نامیده و این ناسزا را مکرراً نثار آنان کرده است.

ناصر خسرو چون مبلغ بود. شعر را از دیدگاه شاعران درباری نمی گریسته بلکه این نوع شاعران را نکوئش کرده وی مکرر اشعار خود را شعر زهد نامیده و تمام دیوان او وقف است بر معانی زهد و ترک دنیا و ستایش خرد و سخن و دانش و تبلیغ مذهب اسماعیلیه و مفاخرت و شکایت از غربت و نکوهش دشمنان و مخالفان و انتقاد های سخت از آنان و نیز از اوضاع اجتماعی عصر خویش میباشد.

ناصر خسرو در شعر فارسی پدید آورنده نوعی مدیحه است که آن را مدیحه دینی خوانده اند وی علاوه بر ستایش پیامبر و شخصیت حضرت علی و خلیفه فاطمی مصر را که امام زمان نامیده بار ها ستوده و در برابر او اظهار خضوع خشوع کرده است.

در بسیاری از قصاید او پیوستگی به گونه ای آشکار دیده میشود. و این همان است که آقای دکتر شفیعی کدکنی آن را محور عمودی خیال نامیده است.

ناصر خسرو در توصیف بسیار قوی است اما از آنجا که توصیف و تغزل را مغایر با روش شاعری خود میدانند تنها در تعداد اندکی از قصاید توصیف طبیعت به ویژه توصیف شب آورده است.

چون روحیه ی زهد بر وی غلبه داشته از وزن های ضربی و اهنگین استفاده نکرده و در تعدادی از قصاید بحور نسبتاً سنگین بکار برده است. ناصر از تشبیه و استعاره هر دو فراوان استفاده کرده اما تعداد تشبیه های وی اندکی از استعاره هایش بیش تر است وی از تشبیهات حسی و مفصل و مرکب استفاده کرده و چون شاعر زهد و اخلاق و کلام است به ناچار مشبه در شعر او

امریست ذهنی و مجرد استفاده کرده از واژه هایی که صامت آغازین مشترک است . بسیار استفاده کرده است . مانند دین و دانش ، دادو دین

محور اندیشه در ساختار قصیده:

بررسی محور اندیشه در ساختار قصیده از ناصر خسرو نشان می دهد هسته اصلی اندیشه ناصر خسرو در این قصاید حول چهار کلید واژه رنج انتقاد راه چاره مدح چاره ساز شکل می گیرد ناصر خسرو از رنجی که به واسطه تبعید به آن دچار شده شکوه می دهد و با روش عقلی از انقلاب در اصول دین حاکمان زمانه خود آفرینان هستند انتقاد می کند و تمام مشکلات اجتماعی و فساد در دستگاه حکومتی را ناشی از انحراف می داند و راه چاره را در پیروی از مذهب فاطمی می بیند و دست آخر خلیفه فاطمی المستنصر بالله به عنوان چاره ساز و رهبر حلال مشکلات می شناسد از ناصر خسرو همواره به عنوان حکیم یار می شود که اشعار سرشار از موعظه و پند و حکمت اما معمولاً درباره اینکه چه نوع بیند و حکمتی در اشعار او مطرح شده است صحبتی به میان نمی آورد پندهای وی بیشتر لحنی توبیخی دارد و به نظر نمی رسد که هدف اصلی ناصر خسرو از سرایش قصاید صرفاً موعظه و پند باشد به نظر می رسد محور اصلی اندیشه قصاید ناصر خسرو و مطلب مهمتری است که پند و موعظه نیز در راستای همین اصل مطلب ظاهری می شود و چیستی و چگونگی این مطالب را تنها با مطالعه محور اندیشه ناصر خسرو در سرایش قصاید می توان دریافت همچنین در مطالب بالا عنوان شد که ناصر خسرو یک حکیمی دینی و متکلم فرقه اسماعیلی است و در این فرقه به مقام بالایی حجت رسیده و مأمور تبلیغ فرقه اسماعیلیه در جزیره خراسان است بنابراین به جاست که هدف اصلی چنین مبلّغی از سرایش وسیله های تبلیغ فرقه اسماعیلی باشد در کنار این تبلیغ خود ناخواه انتقاد از فرقه های مذهبی و مخالف نظام دستگاه حکومت وقت صورت می پذیرد همچنین که گفته شد ناصر خسرو لحنی توبیخی دارد زیرا زیرساخت آن انتقاد از انحراف افکار و رفتار در جامعه می باشد چنین مخالفت و مبارزه طبع به رنج تبعید و زندگی دچار است گروه هایی که از این وجود دارد نیز در قصیده هایش نمایانگر است او از یک سو تنهایی و بی نوارهای فغان بر می آورد و از سوی دیگر بی اعتنایی و استغنارا نشان می دهد و کسانی را که بیهوده چرخ نیلوفر را نکوهش می کنند سبکسار و بی خرد می شمارد این دوگانگی نمایانگر انتقاد به فعالیت او علیه اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه در عین حال تواناییست که بر آن می پردازد او از رنجی سخن می گوید که عامل اصلی این رنج حکومت منحرف و جهل زمانه و این رنج آفرینان انتقاد می کند و راه و چاره را در مذهب تشیع و فرقه اسماعیلیه می داند دست آخر که خلیفه فاطمی است که میستاید

## ساختار کلی قصاید ناصر خسرو

هر یک از قصاید زیر بخشی از محور فکری ساختار سی قصیده از ناصر خسرو را تشکیل می‌دهد

### قصیده اول ای قبه گردند بی روز حضرا

قصیده با شکایت از بدمهری دنیا که همان بیان رنج است آغاز می‌شود و آنگاه راه چاره به صورت توصیه و پند های رفتاری مطرح می‌شود و در ادامه بحث کلامی نگاهی تنزلی به قرآن و نگاه تاویل به آن جان که کلام قصیده را تشکیل می‌دهد «چو دریا به مثل تنزیل چو لولو است . سوی مردم دانا» او رنج و مایع انحراف را در نگاه تنزیلی و رهایی مایه رستگاری را در نگاه تاویلی با قرآن می‌داند کسی که در رنج است به دلیل این است که غواص « علمای دینی و مذهبی مخالفان ناصر خسرو» او را به جز گل و شورا به «ظاهر و صورت تنزیل قرآن» نداده است و در نتیجه در تمام اعتقاد و رفتارهای تنها به ظاهری دین مشغول بوده به نتیجه بی حاصلی است «قندیل فروهر زبیر شب قدر و مثل بسته شد چون روز و دل چون شب یلدا»

راه چاره برخورد تاویل به قرآن است که در اثر آن حقیقت دین به دست می‌آید که نتیجه آن شناخت راه درست و بسط گاری شفاعت حضرت زهرا سلام الله و او در روز قیامت که موجب این می‌شود که ایزد دادار شاعر را از دشمن اولاد پیامبر بشناسد پس در این قصیده ستون رنج و انتقاد در مقابل راه چاره و رستگاری به صورت ستون

در نگرش تنزیلی به قرآن در مقابل نگرش تاویلی به قرآن خود نشان می‌دهد که نتیجه ستون اول گمراهی و کجروی ظاهر پرستی قندیل می‌فروز که قندیل بیرون نبرد از دل پر جهل تو ظلما ستون دوم رهایی و سعادت در آخرت است

### قصیده پنجم

بر من بیچاره کفش سال و ماه و روز و شب قصیده با رنج و انتقاد آغاز می‌شود و رنجی که با مفاخر همراه است در واقع چون یک مبارزه است زمانی که از رنج خود می‌نالند علت این رنج در مسائلی که علیه آنها مبارزه می‌کند می‌بیند برای همین به استقامت خود در راهی که قدم گذاشته می‌بالد و رنج راه را به جان می‌خرد شاعر علت رنجی را که متحمل می‌شود از جهل نادانی عوام می‌داند و ریشه این جهل را در اصول اعتقادی فرقه مخالف خود می‌داند بنابراین راه

چاره را در پرهیز از مذهب و فرقه مخالف و در پیروی از پیامبر صلوات الله علیه و حضرت حیدر کرار می‌بیند و طبیعی است که منظور از پیروی گرایش به مذهب فاطمی است

### قصیده دهم

( ای هفت مدبر که بر این پرده سرایید ) از انتقاد رفتاری صحبت می‌کند اما این انتقاد فرعی و دربارہ شعر فروشان خراسان مداحان حکومت وقت است اما ریشه این اعتقاد در اتفاقات از اعتقادی که انتقاد اصلی که فقهای زمان خود را نشانه می‌گیرد در این قصیده صحبت انتقاد را در علم فقه مذهب و مخالف و فقیهان است و راه چاره حضرت رسول به فرزندان رسیده و چاره کار علم فرزند پیامبر است این بار انتقاد از اصول

دینی مذهب مخالف نیست بلکه انتقاد از فروع دین و مذهب و مخالف زیرا وی عقیده دارد که انحراف در و فروع دین منجر به انحراف و رفتار و در نهایت منجر به فساد در جامعه می‌شود

### قصیده ۱۵

«پشتم قوی به فضل خدا است» قصیده با مباحثات و مفاخر به دلیل گرایش اعتقادی و تمسک شاعر به آل رسول الله آغاز می‌شود مایه مباحثات در نازش به پیروی از امامان شیعه فرزندان زهرا است و انتقاد متوجه مذهب و مخالف است قصیده تماماً آن در مدح امام اول شیعیان و در نهایت خلیفه فاطمی مستنصر بالله است و قصیده با مدح چاره ساز ختم میشود.

### قصیده ۲۰

«شاید که حال و کار دگرسان کنم»

قصیده منجر می‌شود به مفاخر و رجز خوانی برای دشمنان مخالف و بیان تفاوت هایی که با مخالفان خود دارد

### نتیجه

محور اندیشه در ساختار قصاید ابتدا از بیان رنج و تلخی یا یک اتفاقات پند و حکمت ای که لحنی انتقادی و تحکمی است آغاز می‌شود و به راه رهایی و چاره مذهب فاطمی و به همراه متن چاره ساز ختم می‌شود